

پیشگفتار

مطالعه حاضر پیرامون گچبری ساسانی به پیشنهاد پروفسور «کلاوس بریش» (Klaus Brisch) صورت گرفته است. وی ضروری دید گزارش نهایی تزیینات گچبری به دست آمده در کاوش‌های سال‌های ۱۹۲۸-۱۹۲۹ و ۱۹۳۱-۱۹۳۲ در تیسفون انتشار یابد تا نتایج هدفمند آن در تحقیقات آتی مورد استفاده قرار گیرد. از این رو، از ایشان باید در وهله اول به سبب محول کردن این وظیفه به بنده قدردانی کنم. همچنین لازم است به دلیل مساعدت‌ها و حمایت‌های همیشگی ایشان در «سازمان مبادلات دانشگاهی آلمان» در زمینه درخواست و اعطای بورس تحصیلی برای سفر به عراق، ایران و آمریکا و نیز حمایت از تقاضای دریافت بورس تحصیلی بنده از «بنیاد تحصیلات عالی ملت آلمان» برای اخذ دکتری سپاس‌گزاری نمایم. هر دو بورس تحصیلی مزبور نقش بسیار مهمی در انجام این پژوهش داشتند. از هر دو سازمان دوباره تشکر می‌کنم، زیرا بدون کمک مالی آن‌ها جمع‌آوری و کار روی مدارک پر حجم و بسیار پراکنده امکان‌پذیر نبود. در این خصوص، از حمایت‌های پدرم نیز مراتب امتنان خود را اعلام می‌دارم.

تنها به لطف تلاش‌های آقای رایتر. م. بوخمر (Rainer. M. Buchmer)، رئیس مؤسسه باستان‌شناسی آلمان در بغداد، در زمینه پذیرفته شدن پایان‌نامه بنده در ردیف کارهای تحقیقاتی بغداد و به لطف کمک‌های مالی «مجمع تحقیقات آلمان» بود که چاپ و انتشار نتایج این پژوهش در شکل اصلی آن که به رشته تخصصی ۱۳ (علوم تاریخی) دانشگاه آزاد برلین در ترم زمستانی ۱۹۷۷-۱۹۷۸ ارائه شده بود میسر گردید.

از آقای دکتر «بوخمر» و مجمع تحقیقات آلمان به خاطر این کار تشکر می‌نمایم. سپاس‌گزاری از کمک‌ها و حمایت‌های همه کسانی را که صمیمانه به بنده اجازه دادند تا از مجموعه‌های سپرده‌شده به آن‌ها دیدن کنم، قطعاتی از آن‌ها را در گزارش حاضر معرفی نمایم یا از آن‌ها عکس بگیرم و یا به انحای دیگری به بنده کمک کردند وظیفه‌ای بدیهی برای خود می‌دانم. در موزه اسلامی و موزه ملی برلین از آقایان ف. اندرلاین، ر. هیک مان، او. تیرولر و و. تیرولر؛ در موزه هنرهای اسلامی و موزه‌های ملی اموال فرهنگی پروس از پروفسور ک. بریش، خانم دکتر ج. تیک‌ینسن و دکتر ف. اشپولر قدردانی می‌شود. از تمامی نامبردگان زیر نیز قدردانی می‌گردد: در موزه بریتانیا در لندن موزه‌دار اسبق ر. پیندر ویلسن؛ در آکسفورد در موزه آشمولین ر. و. هامیلتون، دکتر پ. ر. س. موری و دکتر ح. آلان؛ در موزه لوور در پاریس، پروفسور ج. آمیه؛ در موزه هنر متروپولیتن در نیویورک، دکتر پ. ا. هارپر و دکتر ر. اتینگه‌اوزن؛ در فیلادلفیا در موزه هنر فیلادلفیا، خانم ج. گردون لی؛ در گالری هنر فریر در واشنگتن، دکتر ا. آیتل و به ویژه ج. م. اپتون که بدون آشنایی و استفاده از اطلاعات او آرشيو هرتسفلد در بخش مربوط به نظام‌آباد نمی‌توانست به صورت فعلی تدوین شود؛ در فیلد میوزیوم در شیکاگو، کارشناس اسبق موزه دکتر د. کلیر؛ در کلسی میوزیوم دانشگاه میشیگان در آن آرپور، پروفسور ج. گ. بدلی؛ در موزه رویال اونتاریو در تورنتو، ا. ج. کیل؛ در تهران آقای س. م. خرم‌آبادی، رئیس اسبق موزه ایران باستان و دپارتمان آثار عتیقه ایران؛ رئیس مؤسسه باستان‌شناسی آلمان در تهران، آقای پروفسور و. کلایس و دکتر گ. گروپ و دکتر ه. فون‌گال؛ در موزه بغداد سید فؤاد صفر معاون رئیس وقت موزه بغداد که در نبود سید عیسی سلیمان، رئیس موزه، صمیمانه اجازه بررسی و انتشار یافته‌های حفريات تیسفون باقی‌مانده در بغداد را دادند و برای انتشار آن‌ها باید از رئیس سازمان میراث و عتیقات کشور، آقای دکتر

مؤید سعید دمرجی، تشکر نمایم. علاوه بر این، از خانم دبرا تامپسون به خاطر پاسخ به پرسش‌هایی در مورد قطعه چال ترخان که کمک شایان توجهی کرد قدردانی می‌شود. به سبب اعطای اجازه برای کار بر روی یافته‌های تخت سلیمان از پروفیسور ر. ناومان و سرپرست فعلی کاوش دکتر و. هوف تشکر می‌کنم، به ویژه از دکتر هوف به خاطر پاسخ به سؤالات بسیار زیاد در مورد مدارک و یافته‌ها. از دکتر ر. گوئل برای اطلاعاتشان در مورد تندیس بالاتنه گچی مکشوفه از تل داروز و از پروفیسور آ. گروهمن و ر. ماکوچ به خاطر اعلام آمادگی برای خواندن «گرافیتی» نظام آباد و «استراکون» کلیسای تیسفون قدردانی می‌نمایم. از پروفیسور ر. هایدن رایش، تنها بازمانده هیئت کاوش‌های تیسفون، به خاطر مصاحبه در مورد جریان حفاری و برای در اختیار قرار دادن منابع مربوط به شوروی سابق که به سختی قابل دسترسی هستند سپاس‌گزاری می‌کنم. از آقای ر. بکرهاوس، به خاطر ترجمه مطالب از زبان روسی، و نیز از استاد خودم، پروفیسور ت. بودنزیگ، و پروفیسور ه. ج. نیسن و ف. استپات در دانشگاه آزاد برلین برای کمک‌هایشان قدردانی می‌نمایم. تشکر از همسرم به خصوص برای تهیه و تنظیم طراحی‌های بسیار زیادی که بخش اساسی و مستقل کار را تشکیل می‌دهند و همچنین به خاطر رفتار تفاهم‌آمیزش در طول دوره طولانی مدت تهیه و آماده‌سازی این اثر سپاس‌گزارم. علاوه بر این، سپاس‌گزاری ویژه‌ای از آن هوبرت نیز دارم که بدون ابتکار عمل او این کار نمی‌توانست به سرانجام برسد.

در نهایت، از فرانتس روتن و همکارانش در انتشارات فلیب فون زا برن به خاطر انتشار این اثر در این قالب قدردانی می‌نمایم.

برلین - فریدن آو، بهار سال ۱۹۸۱، ینس کروگر

مقدمه نویسنده

نگارنده در آغاز قصد داشت که تنها گچبری‌هایی را که در حفریات سال‌های ۱۹۲۸-۱۹۲۹ و ۱۹۳۱-۱۹۳۲ از تیسفون، پایتخت ساسانیان، کشف شده بود توصیف و معرفی نماید. با بررسی دقیق این گچبری‌ها و تجزیه و تحلیل مسائل مطرح شده مشخص گردید که اگر دست‌کم شمار زیادی از گچبری‌های ساسانی موجود به طور هم‌زمان مطالعه نشوند، معرفی و توصیف گچبری‌های تیسفون مفید نخواهد بود. نگارنده دریافت که تنها از راه معرفی شمار زیاد گچبری‌های ساسانی موجود می‌توان به نتیجه مطلوبی دست یافت. ایرادات و نواقص تحقیقات قبلی که در این زمینه اجرا شده‌اند دقیقاً ناشی از محدود بودن تعداد گچبری‌های مطالعه‌شده و، به تبع آن، شیوه‌های متفاوت به‌کاررفته در آن مطالعات بوده است. به طور حتم، مطالعه یافته‌های به‌دست‌آمده از یک منطقه وسیع‌تر طرح مسائل شمایل‌نگاری (iconography) و استخراج اصول سبکی را میسر می‌سازد و به رفع ابهامات بغرنج موجود در زمینه قدمت و تاریخ‌گذاری نیز کمک می‌کند. همچنین، جایگاه و ارزش گچبری‌های به‌دست‌آمده از حفریات تیسفون در کل مجموعه گچبری‌های ساسانی را تنها از این راه می‌توان مشخص ساخت.

مشکلی که در این راه وجود دارد آن است که کاوش بناهای ساسانی طی سی سال قرن حاضر در اکثر قریب به اتفاق موارد در جریان برنامه‌هایی صورت گرفته که با اهداف دیگری اجرا شده‌اند. در نتیجه، گزارش گچبری‌های کشف‌شده، خواه به سبب نبود کارشناسان خبره و خواه به سبب این‌که به مسائل مناسب طرح در حد مورد انتظار توجه نشده، هیچ‌گاه به طور مکفی چاپ و منتشر نشده است. با وجود آن که مطالعه حاضر دربرگیرنده گچبری‌های دیگری علاوه بر نمونه‌های مکشوفه از تیسفون و نیز برخی یافته‌های اتفاقی دیگر است، این مطالعه نمی‌تواند جایگزینی برای گزارش کاوش‌ها باشد که کمبود آن‌ها بسیار محسوس است. هدف این مطالعه ارزیابی کامل نتایج کاوش‌های مرتبط نبود، بلکه در وهله اول بررسی مسائل و موضوعات جزئی مد نظر قرار داشت. علاوه بر این، اکنون نتایج حفریات «کیش» از سوی «موری» (P. R. S. Moorey) انتشار یافته و «تامپسون» (D. Thompson) مطالعاتی را روی گچبری‌هایی که «اشمیت» (E. F. Schmidt) در «چال ترخان» کشف کرده بود انجام داده است؛ و در نتیجه، اکنون می‌توان آن‌ها را معرفی کرد و مورد استناد قرار داد. مطالعات آنان، که بر پایه موتیف‌ها (نقش‌مایه‌ها) استوار بوده‌اند، تفاوت بارزی را در سبک گچبری‌های اوایل دوره اسلامی که متکی بر نقوش ساسانی هستند آشکار ساخته است؛ البته در گزارش‌های مطالعات یادشده طبیعتاً خلاصه‌ای از تغییرات سبکی در دوره ساسانی ارائه نشده است.

هدف نگارنده حاضر آن بود که از گچبری‌های به‌دست‌آمده از مناطق دیگر در زمینه مسائل پیکرنگاری و نیز استخراج ویژگی‌های سبکی استفاده نماید. برای نیل به این مقصود شرایط مهیا بود، زیرا (به لطف سیاست آینده‌نگرانه «فریدریش زاره» [F. Sarre] در خرید آثار هنری تجاری) در میان آثار هنری خریداری‌شده در موزه‌های برلین انواع مختلفی از قطعات شکسته گچبری وجود داشت و این یافته‌ها به راحتی قابل مطالعه و استناد بودند. در مورد بزرگ‌ترین مجموعه، یعنی گچبری‌های «نظام آباد»، یافتن دفاتر طراحی همراه با طرح‌ها در آرشیو «هرتسفلد» (E. Herzfeld) (در واشینگتن)، که انتشار کامل گچبری‌های به‌دست‌آمده از این محوطه را مطلوب می‌ساخت، بسیار مهم و تعیین‌کننده بود. به لطف همکاری صمیمانه کاوشگران «تخت سلیمان»، ثبت اطلاعات گچبری‌های به‌دست‌آمده از حفریات این محوطه که بخش اعظم آن‌ها به موزه هنرهای اسلامی در برلین انتقال یافته بود به

همراه بقیه میسر گردید.

شیوه‌های مختلفی برای مطالعه این گچبری‌ها پیش روی نگارنده حاضر قرار داشت. یکی از این شیوه‌ها تنظیم و طبقه‌بندی آن‌ها بر اساس نقش مایه یا گروهی از نقش مایه‌ها بود که در بیشتر مطالعات قبلی نیز از همین شیوه استفاده شده است. اما، ایراد کاربرد این شیوه در مورد تزیینات معماری آن است که در آن رابطه اولیه تزیینات با بخش‌های ساختمانی یا اجزاء معماری لحاظ نمی‌گردد. از این رو، تصمیم بر آن شد تا رابطه اولیه تزیینات نقش برجسته با بخش‌های معماری مرتبط به طور ویژه مد نظر قرار گیرد، زیرا برای نگارنده شناسایی و تعیین این که چه جزئی از بنا یا چه بخشی از ساختمان دارای آذین بود و طرح نقوش تا چه حد دانسته و هدفمند انتخاب شده و با هم مرتبط بودند بسیار اهمیت داشت. تعیین وجوه اشتراک و تفاوت‌های موجود میان تک‌تک محوطه‌ها تنها از این راه میسر می‌شد. صرف نظر از شناخت اصول سبکی، پاسخ به این سؤال‌ها درک تمامی ابعاد تزیینات گچبری نقش برجسته و اهمیت آن‌ها برای تمدن ساسانی را امکان‌پذیر می‌سازد. علت انتخاب این شیوه در وهله اول ویژگی نمادگونه گچبری است، یعنی این که گچبری‌های مورد مطالعه کارکرد تزیینی صرف، به مثابه تزیینات دیواری عاری از هر گونه معنا و مفهوم، نداشتند و، از این رو، به شکلی طبیعی و ویژه فضای حاکم بر محیط فرهنگی آن دوران را انعکاس می‌دهند. اگر هدف مطالعه حاضر رسیدن به کامل‌ترین شناخت ممکن باشد، ناگفته پیداست که تفسیر و پرداختن به تک‌تک مضامین لازمه دستیابی به این شناخت است و این خود نیز جزئی از اهداف همین مطالعه به حساب می‌آید.

با این حال، به سبب صدمات زیاد و نیز، مهم‌تر از همه، به دلیل بی‌توجهی کاوشگران به مضمون کلی تزییناتی که قطعات گچبری به دست آمده بخشی از آن‌ها بودند، دستیابی به نتایج رضایت‌بخش برای اهداف مورد نظر در تمامی موارد محقق نگردید. در مواردی که امکان پرداختن به مضمون اولیه گچبری‌ها وجود نداشت، به طور مثال در مورد نمونه‌های مکشوفه از تعدادی از خانه‌های مسکونی منطقه «تیسفون» یا محوطه‌هایی نظیر «نظام آباد» که هیچ گونه اطلاعاتی درباره آن‌ها وجود نداشت، گچبری‌ها بر اساس نقش و شکل طبقه‌بندی شده‌اند و این رویه ممکن است در مورد یافته‌های سایر محل‌ها نیز استفاده شده باشد.

اساس کار بر آن قرار گرفت که ابتدا از مجموعه یافته‌هایی که در کتاب حاضر به تفصیل معرفی می‌شوند شرحی کلی ارائه شود. گچبری‌های به دست آمده از حفاریات «تیسفون» که موضوع فصل اول کتاب هستند بیشترین فضای کتاب را به خود اختصاص داده‌اند. در این فصل همچنین نکات مهم هر دو گزارش مقدماتی حفاری، که اکنون دسترسی به آن‌ها بسیار دشوار است، به اجمال بیان شده‌اند. فصل دوم به یافته‌های به دست آمده از بین‌النهرین، تخت سلیمان و نظام‌آباد با جایمان (محل کشف) مشخص اختصاص دارد. در فصل سوم، شرح مختصری از محل کشف گچبری‌های ساسانی که تاکنون در محوطه‌های ایران و عراق کشف شده‌اند ارائه می‌گردد و، در عین حال، یافته‌های اتفاقی، یعنی مواردی که به همراه عتیقه‌های تجاری از سوی موزه‌های مختلف خریداری شده‌اند، نیز مورد بحث قرار می‌گیرند. در فصل چهارم، مباحث مختلفی که در خلال فصول مختلف کتاب بر اساس گچبری‌های مطالعه شده طرح شده‌اند، جمع‌بندی می‌شوند. برای مشخص شدن این موضوع که از دید نگارنده حاضر از گچبری‌های موجود چه نتیجه‌گیری‌هایی قابل حصول است، چنین به نظر رسید که باید بر روی آن‌ها بررسی و مطالعه‌ای انجام شود.

پیشنهاد قدمت مستلزم انجام مطالعات سبکی انتقادی دقیق بود، زیرا از حفاریاتی که تاکنون اجرا شده‌اند معیار تاریخ‌گذاری مشخصی حاصل نشده است. برای آن‌که بتوان شیوه‌های مختلف اجرای گچبری‌ها را موردبهمورد مطالعه کرد، بررسی دقیق حتی‌المقدور تعداد زیادی از نقش مایه‌های منفرد موجود از محل‌های کشف نتیجه‌بخش‌تر تشخیص داده شد. در این میان، ویژگی‌های سبکی استخراج شده نشان دادند که چندان به ویژگی‌های محلی و دست‌خط هنرمند یا کیفیت کار وابسته نیستند. در نتیجه، پیشنهاد قدمت و تاریخ‌گذاری بر اساس ویژگی‌های تعیین شده امکان‌پذیر بود.

این ملاحظات همچنین به پی بردن به نقش این تزیینات معماری در دوره ساسانی کمک می‌کنند. در این میان، دوره اشکانی و نیز مرحله انتقال به هنر تکامل یافته اسلامی، یعنی دوره‌های قبل و بعد از دوره ساسانی، مد نظر قرار گرفته‌اند، زیرا پیشرفت‌ها و

تکامل فقط با در نظر گرفتن این دو دوره قابل مطالعه بودند. این کار جزو اهداف اولیه نبود، اما از آنجا که در طول کار مشخص شد قدمت تزیینات گچبری نظام‌آباد به اوایل دوره اسلامی بازمی‌گردد، این کار صورت گرفته است. به همین دلیل نیز می‌توان در مقام نتیجه‌گیری چنین گفت که این مرحله انتقالی در تزیینات گچبری منطقه ری-ورامین به طور روشن‌تری قابل تشخیص است. تزیینات دیواری مربوط به اوایل دوره اسلامی که در حفريات «تیسفون» در محدوده «سلمان پاک» (Salmān Pāk) به دست آمدند و باید مد نظر قرار گیرند، برخلاف قصد اولیه نگارنده، اکنون مشخص شده است که باید به طور جداگانه منتشر و معرفی شوند؛ زیرا این تزیینات از نظر سبک و قدمت جزو تزیینات گچبری اواخر دوره ساسانی محسوب نمی‌شوند.

از آنجا که تزیینات گچبری که تاکنون کشف شده‌اند هنوز معرّف سراسر دوره ۴۰۰ ساله عصر ساسانی نیستند، هدف نگارنده الزاماً آن بوده است که معیارهایی برای طبقه‌بندی یافته‌های احتمالی آتی عرضه نماید. در این میان، با توجه به وضعیت فعلی پژوهش‌ها، به هر حال باید بیشتر به گاه‌نگاری نسبی تکیه کنیم تا گاه‌نگاری مطلق. از دید نگارنده، این امر دوباره این موضوع را یادآوری می‌کند که همواره این واقعیت را مد نظر داشته باشیم که پژوهش‌ها اساساً هنوز در ابتدای راه خود قرار دارند. در عین حال، مقصود از این کار تحرک در تحقیقات منظم آتی روی تزیینات ساختمانی ساسانی است. ناگفته پیداست که مسائل مرتبط با تزیینات معماری که تاکنون مغفول مانده‌اند باید نسبت به سایر آثار در اولویت قرار گیرند، زیرا طبقه‌بندی آن‌ها بسیار دشوار و چالش‌برانگیز است. به علاوه، در مورد آن‌ها تقریباً همه علائم قابل مقایسه در معرض دید قرار دارند. قبل از هر چیز باید قضاوت‌های ناصواب درباره تزیینات معماری گچبری را، که نشئت‌گرفته از اصول زیبایی‌شناختی منسوخ، معیارهای کیفی نادرست و پیش‌داوری‌های اشتباه‌اند و سبب بی‌مهری به این گروه از اسناد و مدارک می‌شوند، کنار بگذاریم.

کاتالوگ قطعات معرفی شده بر اساس شماره سریال تنظیم شده است. این شماره‌ها در ابتدای مبحث مربوط به هر قطعه و نیز در زیرنویس شکل‌ها و تصاویر آمده‌اند. در این کاتالوگ شرح مختصری از صورت‌برداری، ابعاد و نگاشته‌ها ارائه شده است. در شرح نگاشته‌ها برابر دستورالعمل و علائم اختصاری مؤسسه باستان‌شناسی آلمان عمل شده است. در مواردی که اسامی به صورت‌های دیگری غیر از صورت مصطلح آن‌ها در زبان آلمانی رایج هستند، حرف‌نویسی آن‌ها برابر قواعد «انجمن شرق‌شناسان آلمان» انجام گرفته است.

پیشگفتار مترجم

به نام خداوند جان و خرد

مدتی این مثنوی تأخیر شد!

کتاب حاضر، که با عنوان گچبری ساسانی به زیور طبع آراسته شده، کار علمی ارزشمند و بزرگی است از آقای دکتر «ینس کروگر» (Jens Kröger). این کتاب سال‌ها پیش به درخواست جناب آقای ناصر نوروززاده چگینی، رئیس وقت پژوهشکده باستان‌شناسی، و موافقت آقای جلیل گلشن، معاون پژوهشی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور، ترجمه و آماده چاپ شد، اما متأسفانه چاپ آن به دلایل مختلف به تأخیر افتاد.

ترجمه این کتاب، با توجه به اصطلاحات فنی آن در مورد گچبری‌هایی که آقای دکتر کروگر با تلاش و صرف وقت بسیار زیاد از محوطه‌ها و موزه‌ها و مجموعه‌های شخصی مختلف گردآوری و مورد بررسی و تحقیق و مقایسه قرار داده و شخصاً برخی از نقوش را طراحی کرده است، کار بسیار دشوار و وقت‌گیری بود که با پرس‌وجو از اساتید این فن و کمک گرفتن از فرهنگ مصور هنرهای تجسمی خوشبختانه ترجمه‌ای قابل قبول از نظر اصطلاحات فنی از آب در آمد. البته، ترجمه حاضر خالی از اشکال نیست، اما اساتید فن و پژوهشگران گرامی با رهنمودهای خود می‌توانند این اشکالات را در چاپ‌های بعدی برطرف کنند.

همانند دیگر کارهایم، ویرایش اولیه کتاب را دوست و همکار عزیزم آقای چگینی صمیمانه پذیرفتند. پس از آن برای مدت طولانی کار به تعویق افتاد، اما با توجه به مرجع بودن کتاب و نبود متن و موضوعی مشابه در این زمینه چاپ آن بسیار ضروری بود (باید یادآور شوم قسمت‌هایی از ترجمه قبلاً با موافقت بنده مورد استفاده برخی از همکاران قرار گرفته است، زیرا در زمینه تزئینات گچبری ساسانی تصور نمی‌رود غیر از کتاب آقای دکتر کروگر کتاب دیگری منتشر شده باشد).

با تشویق دوست و همکار عزیزم جناب آقای علی صدرائی، مدیر گروه اسلامی پژوهشکده باستان‌شناسی، و دوست و همکار عزیزم جناب آقای دکتر محمد مرتضایی، معاون پژوهشی محترم پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ترجمه کتاب دوباره مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت. البته، باید یادآور شوم که بدون پیگیری‌های سرکار خانم دکتر چوبک، رئیس محترم پژوهشکده باستان‌شناسی، و یاری دوستان و همکاران عزیز یادشده‌ام که از همه آنان سپاس‌گزار هستم، مطمئناً چاپ این کتاب باز هم به تأخیر می‌افتاد.

در پایان لازم می‌دانم از جناب آقای صمد علیون، مدیر مؤسسه خدمات نشر جام زرین، جهت رفع اشکالات و آماده‌سازی این کتاب مرجع و مورد نیاز برای چاپ سپاس‌گزاری نمایم.

فرامرز نجد سمیعی